

توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال هفدهم
شماره ۲۰۴ اسفند ماه ۱۳۹۵ - مارس ۲۰۱۷

اقدامات استعماری نئولیبرالی رفسنجانی در زمان ریاست جمهوری اش

علی اکبر هاشمی رفسنجانی نماینده آن بخش از بورژوازی ایران بود که اقتصاد را به تجارت آزاد تجار بازار و به سخنی بورژوازی سنتی بازار محدود نمی کرد. وی خواهان سرمایه گذاری های کلان بود و خودش در این امر دست داشت و به جلو می تاخت. به همین جهت خود را "مدرن" جلوه می داد و در جهت اصلاحات اقتصادی سرمایه داری (بخوانید استعماری-توفان) پیش رفت. وی خود را به عنوان معمار و مجری ایران نوین معرفی کرد و لقب "سردار سازندگی" را از جانب یاران و با تبلیغات فراوان از آن خود ساخت. قدرت اجرایی کشور در ابتداء منحصرأ در دست او بود. در دوران ریاست جمهوری اش بازسازی اقتصاد ایران پس از جنگ با عراق، به عنوان اولویت اصلی دولت اعلام شد و طبیعتاً به علت شرایط بد اقتصادی و توجه و علاقه عمومی به بهبود شرایط اقتصادی، شعارهای اقتصادی و ادعاهای "سازندگی" مطلوب نظر بود. او طی هشت سال ریاست جمهوری خود، اقتصاد ایران را با نام تعدیل اقتصادی به خدمت بانک جهانی در آورد و تلاش کرد با نظم زدائی و خصوصی سازی و فروش اموال عمومی مردم به سرمایه-دران خصوصی که از خانواده خود آنها بودند، به سمت "آزاد سازی" و کاهش نسبی نقش دولت در جهت منافع اقتصادی سرمایه داران به پیش برود. وی با این کار حقوق کارگران ... ادامه در صفحه ۴

انقلاب اکتبر نخستین انقلاب سوسیالیستی در جهان

ما در امسال ۱۰۰ سالگی تولد انقلاب کبیر اکتبر در روسیه قدیم را جشن می گیریم. ما پیدایش جامعه و یک جهان نوین بنام "اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی" را جشن می گیریم.

این انقلاب برای نخستین بار در تاریخ، دولتی تراز نوین بنام دولت شوروی سوسیالیستی و یک دموکراسی تراز نوین، یعنی دموکراسی برای زحمتکشان یا دیکتاتوری پرولتاریا را خلق کرد.

ما بر این نظریه کودکی که در صد سال پیش به دنیا آمد علیرغم کبر سن، علیرغم ضربه خوردنها و یا حتی علیرغم کودتای خروشچف و پیروزی بورژوازی بر جامعه سوسیالیستی، آری علیرغم گسست سوسیالیسم به صورت موقت، هنوز هم تر و تازه است و تنها بدیل ممکن برای آینده بهتر را تضمین می کند. انقلاب اکتبر هنوز زنده است و صحنه تاریخ جهان را هرگز برای همیشه ترک نکرده است علیرغم اینکه نفی شده است.

بسیاری به درستی می پرسند علل واقعی موفقیت و قبل از هر چیز پیروزی نسبتاً سهل انقلاب اکتبر چه بود. رفیق استالین موارد زیرین را به عنوان علل اصلی برجسته می کند:

"نخست اینکه، انقلاب اکتبر با فعالترین وجهی از طرف اکثریت عظیم طبقه کارگر روسیه پشتیبانی می شد.

دوم اینکه، دهقانان فقیر و اکثریت سربازان که تشنه صلح و زمین بودند از انقلاب اکتبر پشتیبانی قطعی می نمودند.

سوم اینکه، انقلاب اکتبر در راس خود نیروی رهبری کننده ای چون حزب آزموده بلشویک داشت، که نه تنها تجربه و انضباطی که طی سالیان دراز قوام یافته بود، بلکه ارتباط های پر دامنه این حزب با توده های زحمتکش نیز آنرا نیرومند می ساخت. چهارم اینکه، انقلاب اکتبر در مقابل خود دشمنانی...

...ادامه در صفحه ۲

دستان علی اکبر هاشمی رفسنجانی اصلاح طلب خون چکان بود

اعدامهای سال ۱۳۶۷

مسلم رفسنجانی نقش مهمی در اعدامهای سال ۱۹۶۷ داشته است. تنها مرجع معترض به این اعدامها و آنهم نه به همه آنها، آیت الله منتظری بوده و کسی نیز حاضر نشده است از شخص منتظری حمایت کند. آقای اکبر گنجی که نقش مهمی در افشاء این عالیجناب سرخپوش در قتلهای زنجیره ای داشت در مصاحبه با بی بی سی مطالب قابل توجهی در این زمینه ابراز داشته است. وی می نویسد: "کارنامه و خاطرات او هم گزینشی است و مواردی را آگاهانه حذف کرده و می کند.

در اردیبهشت سال جاری کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۷ او منتشر شد. حوادث بسیار مهمی در این سال اتفاق افتاده است. پذیرش قطعنامه شورای امنیت و پایان جنگ ۸ ساله، حوادثی که منجر به عزل آیت الله منتظری از قائم مقامی رهبری شد و قتل عام زندانیان سیاسی، برخی از آن وقایع هستند.

آقای رفسنجانی به جزئیات، وقایع جنگ را گزارش کرده است. همه مورخان، فعالین سیاسی، مدافعان حقوق بشر و خانواده ی قربانیان در انتظارند تا اطلاعات مهمی در باره قتل عام ۶۷ در این اثر بیابند؛ اما نتیجه ناامیدی مطلق است، برای اینکه به نظر می رسد اکبر هاشمی رفسنجانی این رویداد مهم را از تاریخ پاک کرده است. چه علل و دلایلی موجب این عمل آقای رفسنجانی شده است؟

در تمام کتاب روزنوشت سال ۱۳۶۷ آقای رفسنجانی فقط چند سطر اندک در باره مجاهدین وجود دارد که به نوعی به اعدام زندانیان سیاسی مربوط است.

یک هفته پس از آغاز اعدام زندانیان مجاهدین، در روز ۱۲ مرداد، آقای رفسنجانی می نویسد: "آقای سید رضا زواره ای آمد و تذکراتی ... ادامه در صفحه ۴

به حزب کار ایران (توفان)، حزب طبقه کارگر ایران بپیوندید

100. Jahrestag der großen sozialistischen Oktoberrevolution 1917 - 2017

۱۰۰ سالگی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر



۱۰۰ سالگی انقلاب کبیر اکتبر و تأثیرات عظیم اجتماعی آن در جهان و ایران

تجلیل از میراث انقلابی جنبش کمونیستی ایران از دوران حزب کمونیست ایران تا به امروز
برای استقرار سوسیالیسم علیه ارتجاع، سرمایه داری، امپریالیسم و رویزیونیسم

سفرانی، نمایش فیلم، برنامه های هنری شامل رقص محلی، موسیقی، شعرخوانی، نمایشگاه عکس، شام

شنبه ۲۷ ماه مه ۲۰۱۷ ساعت ۱۸ بعد از ظهر

Mainz

در عرصه جهانی

Seminar u. Veranstaltung: 100 Jahre Oktoberrevolution u. ihre
Bedeutung für heute

9-11 Juni in der Jugendherberge Tübingen

Hermann-Kurz-Straße 4, 72074 Tübingen

Teilnehmerbeitrag 60 € bzw. 80 € Vollpension + Übernachtung

تماس برای رزرو کردن جا و پیش پرداخت مخارج ضروری است. تلفن و ایمیل 07159/4200174

webmaster@arbeit-zukunft.de/www.arbeit-zukunft.de

برگزار کننده: احزاب برادر آلمان، ترکیه، دانمارک و فرانسه

Partei der Arbeit(Toufan)

با پشتیبانی حزب کار ایران(توفان)

Kontaktadresse: Postfach: 103825/60108 Frankfurt - Germany
toufan@toufan.org

وسيله نيرومند صلح را در اختيار وى گذاشته و امکان توام ساختن تحول شوروى و خاتمه جنگ منفور را آسان نمود و به همين مناسبت، هم در بين کارگران غرب و هم در بين ملل ستمکش شرق نسبت به اين انقلاب توليد علاقه و تمايل نمود. كيفيت سوم آنکه، جنبش کارگرى مقتدرى در اروپا وجود داشت و بحران انقلابى که جنگ طولانى جهانگير در شرق و غرب ... ادامه در صفحه ۳

استفاده نموده نيرو و تشکيلات خود را مستحکم سازد. كيفيت دوم آنکه، انقلاب اکتبر در اثناى جنگ جهانگير شروع شد، يعنى هنگامىکه توده هاى زحمتکش از جنگ بستوه آمده و تشنه صلح بودند، و تمام اين واقعيات به حکم منطق، زحمتکشان را به سوى يگانه طريق خلاصى از جنگ يعنى به سوى انقلاب پرولتاريا مى کشانيد. اين كيفيت براى انقلاب اکتبر داراى جديتريين اهميت ها بود، زيرا

انقلاب اکتبر نخستين ...

از قبيل بورژوازي کم و بيش ضعيف روسيه و طبقه ملاکين که از "عصيانهاى" دهقانان کاملاً روحيه خود را باخته بود و احزاب سازشکارى(حزب منشويکها و ايس ار)، که طى جنگ ورشکستگى آنان به حد کمال رسيده، داشت که دفع آنان نسبتاً به آسانى ممکن بود.

پنجم اينکه، انقلاب اکتبر فضاي پهناور کشور جوانى را در اختيار خود داشت که مى توانست آزادانه در آن مانور کرده، برحسب اقتضاي وضع، عقب نشيني نمايد استراحت کند، نيروى خود را جمع و جور نمايد و غيره."(مقاله انقلاب اکتبر و تاکتيک کمونيست هاى روس نقل از کتاب اصول لينينيسم اثر رفيق استالين ص ۱۳۶ و ۱۳۷)

البته در کنار اين عوامل داخلى مثبت عامل خارجى مهمى به عنوان جنگ امپرياليستى وجود داشت که به پرولتاريائى روسيه امکان مى داد حلقه ضعيف امپرياليسم را شکسته و با توسل به نارضايتى توده ها از جنگ و خواست صلح آنها، جنگ امپرياليستى را به جنگ داخلى بدل کند و توده هاى ناراضى مردم را براى سرنگونى حکومت تزارى و سپس حکومت منشويکى کرنسکى بسيج نمايد. استالين اين شرايط مساعد خارجى را چنين توصيف مى کند: "كيفيت اول آنکه، انقلاب اکتبر در دوران مبارزه شديد بين دو دسته، عمده

امپرياليستى يعنى انگليس و فرانسه از يک طرف، آلمان و اتریش از طرف ديگر شروع شد، موقعى شروع شد که اين دو دسته به مبارزه مرگبار ميان خود مشغول بودند و نه وقت و نه وسيله آنرا داشتند که جدا دقت خود را به مبارزه با انقلاب اکتبر معطوف دارند. اين كيفيت براى انقلاب اکتبر اهميت عظيمى داشت، زيرا به انقلاب مزبور امکان داد که از مصادمه شديد در داخله امپرياليسم

۱۰۰ سالگی انقلاب کبیر اکتبر این ناقوس مرگ دنیای سرمایه داری و تولد دنیای نوین را جشن بگیریم

انقلاب اکتبر نخستین ...

آنرا تولید کرد در حال رسیدن بود. این کیفیت برای انقلاب در روسیه اهمیت گرانبهائی داشت زیرا این کیفیت در راه مبارزه علیه امپریالیسم جهانی در خارج از روسیه متحدین وفاداری برای وی

ناپذیر گرفته می‌شود: که سوسیالیسم نمی‌تواند همزمان در همه ممالک به پیروزی برسد...". اگر چه این انقلاب پیروزمند در روسیه کهن در سال ۱۹۱۷ در یک کشور انجام گرفت، لیکن دارای اهمیت بین المللی و

جنبش سوسیال دموکراسی و انقلاب کبیر سرآغاز پیدایش افکار کمونیستی در ایران و آزادی و استقلال ایران از یوغ تلاشهای امپریالیسم انگلستان و روسیه در ایران بود. جنبش کمونیستی ایران ضامن استقلال، آزادی و دموکراسی در ایران بوده و خواهد بود و باید این میراث عظیم را جشن گرفت و در آستانه ۱۰۰ سالگی انقلاب اکتبر از این مبارزه و فداکاری تجلیل کرد. حزب ما به همه مبارزان راه آزادی و استقلال ایران، به مبارزان راه آزادی طبقه کارگر تجلیل از این فعالیت را مدیون است و تلاش می کند با بسیج کمونیستهای ایرانی از این مبارزه و مبارزان، راه آنها را زنده نگهدارد. ملتی که تاریخ خود را فراموش کرده و یا تحریف آنرا بپذیرد هرگز روی سعادت و خوشبختی را نخواهد دید.



تهیه نمود." (در همانجا صفحات ۱۳۵ و ۱۳۶).

یکی از دستاوردهای سترگ تئوری لنینی انقلاب سوسیالیستی این کشف داهیانه است که پیروزی سوسیالیسم نه الزاما به صورت انقلاب جهانی و همزمان در چندین کشور بلکه این انقلاب "اساسا در یک کشور هم مقدور است". لنین در این زمینه در جلد ۲۲ ص ۲۰۹ چاپ آلمانی می نویسد: "تکامل سرمایه داری عمیقا به صورت ناموزون در ممالک گوناگون انجام می گیرد. طور دیگری هم نمی‌تواند در تولید کالائی باشد. از این حکم، این نتیجه اجتناب

سوسیالیستی را هدف خویش قرار می- دهد" (جنبه بین المللی انقلاب اکتبر- اثر استالین در باره مسایل لنینیسم ص ۲۹۵).

به همین علت انقلاب اکتبر و مالا لنینیسم خصوصیت جهانی دارند. لنین گفت: "هم اکنون سوسیالیسم از تمام پنجره های سرمایه داری مدرن به ما نگاه می کند. در هر اقدام بزرگی که بر اساس این سرمایه داری جوان گامی به پیش محسوب می- شود، سوسیالیسم بلاواسطه در عمل، خویش را نمایان می سازد" (لنین جلد ۲۵ ص ۳۷۰ به زبان آلمانی).

انقلاب اکتبر ... ادامه در صفحه ۴

تاثیرات جهانی بود. به این انقلاب باید به مثابه سرآغاز راه گذار بشریت از سرمایه داری به سوسیالیسم نظر انداخت. استالین در اثر داهیانه اش "در باره مسایل لنینیسم" نوشت: "معمولا انقلاب- های گذشته به این ترتیب پایان می یافتند که دسته ای از استثمار کنندگان به جای دسته دیگری از استثمار کنندگان باقی می ماند، ... انقلاب اکتبر از نقطه نظر اصولی با این انقلاب ها فرق دارد. این انقلاب هدف خویش را تعویض یک شکل استثمار و تعویض یک دسته استثمار کننده با دسته دیگر استثمار کننده قرار نداده، بلکه نابودی هرگونه استثمار

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، به دست مردم ایران

سیاست ایران ایجاد شود و او به عنوان مهمترین چهره عملگرا که قوه مجریه را در اختیار دارد، شناخته می‌شود. آقای قوچانی اشاره می‌کند که اشاره تحلیلگر " به انتخابات مجلس چهارم در ایران بود که ائتلاف محافظه- کاران-عملگرایان، جناح چپ را در اقلیت قرار داد. شائول بخاش استاد یهودی تاریخ در امریکا در باره همین موضوع نوشته است:

"آقای هاشمی رفسنجانی در دوران ریاست جمهوری توانست عملگرایی را در دستور کار خود قرار دهد و بدین ترتیب بر مقاومت جناح تندرو در گروه حاکم غلبه کند و شخصیت‌های برجسته آن را از مجلس حذف نماید". رفسنجانی و یارانش نماینده بورژوازی کلان در ایران هستند که خواهان همکاری با سرمایه‌های امپریالیستی می‌باشند. وی به عنوان مهره بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در ایران عمل کرد و اقتصاد ضد ملی به وجود آورد که مفهوم دیگری جز خیانت ملی به آن نمی‌توان گفت. تلاش برای خصوصی کردن صنایع نفت ملی شده ایران در زمان دکتر مصدق از زمان رفسنجانی شروع شد. امروز که نتایج فاجعه سیاست‌های اقتصادی نئولیبرالی بر ملا شده است به طوریکه از این بلا امپریالیسم آمریکا در رقابت با سایر امپریالیست‌ها در امان نمانده است هنوز پیروان این شیخ خشونت‌طلب و تروریست، در پی استقرار تروریسم بانک جهانی، صندوق بین‌الملل پول و سازمان تجارت جهانی در ایران هستند تا به تدریج ایران را مجدداً به یک نیمه مستعمره کامل بدل کنند. رفسنجانی در عین حال نماینده و مدافع سیاسی اقتصاد نئولیبرالی بود که نتایج تروریستی این سیاست اقتصادی را در نپرداختن حقوق کارگران شاهدیم. مرگ وی ضربه‌ای به این جبهه است و وظیفه ما در آن است که بکوشیم تا نئولیبرالیسم امپریالیستی را با بانی آن در ایران در یک گور قرار دهیم تا تنها نباشند.

دستان علی اکبر ...

در باره منافقین داد. " معلوم نیست تذکرات چه بوده است؟ اعدام بیشتر؟ یا اعتراض به اعدام‌ها؟ شش روز بعد، در روز ۱۸ مرداد ۱۳۶۷، ملاقاتی با اکبر هاشمی رفسنجانی صورت می‌گیرد که قطعاً مربوط به قتل عام زندانیان سیاسی در آن هفته‌هاست. ... ادامه در صفحه ۵

از فیسبوک توفان انگلیسی دیدن کنید!

<https://www.facebook.com/pli.toufan?ref=ts&fref=ts>



INTERNATIONAL CONFERENCE OF MARXIST-LENINIST PARTIES AND ORGANIZATIONS



افزایش قابل توجهی یافت، ولی همزمان، نرخ تورم نیز به میزانی بالا رفت که تا آن زمان، در جمهوری اسلامی ایران سابقه نداشت. وی دست سپاه پاسداران را خودسرانه در امور اقتصادی باز گذاشت و به این ترتیب با الهام از سیاست نئولیبرالیسم اقتصادی بانک جهانی، دولت را کوچک کرده و از مخارج آن با دادن مسئولیت تامین بودجه و مخارج خود به دستگاه‌های وابسته به دولت از جمله پاسداران بکاهد. در عین حال با ایجاد این دستگاه مافیائی نفوذ خود را در میان آنها و در دولت موازی افزایش دهد. این روش سیاست رفسنجانی هیولای نظامی-سیاسی-اقتصادی‌ای آفرید که تا به امروز نیز بلای جان مردم ایران و حتی خود خانواده مافیائی رفسنجانی شده است. رانت خواری، پارتی‌بازی، ضبط اموال عمومی مردم، ایجاد بنیادهای دزدی و ارتشاء نظیر بنیاد مستضعفان و پروراندن رفیق دوست‌ها، زنجان‌ها همگی از کارنامه شوم دوران نفوذ رفسنجانی بر می‌آید. وی بازار بورس را راه انداخت، بازرگانی خارجی را آزاد کرد و به پدر خصوصی‌سازی در ایران معروف شد. آقای محمد قوچانی یکی از منتقدان سابق و یاران بعدی رفسنجانی در اردیبهشت سال ۱۳۸۲ به نقل از نیمروز شماره ۷۳۱ مورخ ۵ اردیبهشت ۱۳۸۲ نوشت: "بدین ترتیب آمریکا پس از مدتی با وجود قطع روابط سیاسی به اولین شریک تجاری ایران تبدیل شد و توجه به برنامه‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در دستور کار دولت ایران قرار گرفت. تعدیل اقتصادی علیه سوبسیدهای (یارانه‌هایی که زمان آقای احمدی نژاد حذف شد-توفان) اجتماعی به پاخواست همچنان که چپ‌ها علیه سیاست‌های لیبرالی دولت جدید برخواستند". در سمپوزیوم مهار دوجانبه (۲۴ فوریه ۱۹۹۴ در واشنگتن) گراهام فولر دیپلمات ارشد آمریکائی این تحلیل را تأیید کرد. او گفت: "رفسنجانی توانست از شر تندروها خلاصی یابد تا جو سیاسی بهتری برای تغییر در

انقلاب اکتبر نخستین ...

اساسی عمل کرد و زباله تاریخ را روبید. انقلاب وسایل تولید را از بورژوازی، ملاکان و کارخانه‌ها، کارگاه‌ها، زمین و خاک، راه‌آهن و بانک‌ها را به مالکیت خلق در آورد.

انقلاب اکتبر با قدرت جنبش انقلابی کارگران را در سراسر جهان به پیش راند. انقلاب اکتبر چون مشعلی نه تنها برای

مبارزات آزادیبخش پرولتاریا و متحدانش (بویژه دهقانان فقیر)، بلکه همچنین برای جنبش‌های آزادیبخش ملی و مبارزه ضد امپریالیستی خلق‌های تحت ستم در سراسر جهان موثر بود. جهان ما از آن تاریخ دیگر دنیای قبل نیست. توسط و در اثر نفوذ این انقلاب مرحله نوینی، یک مرحله لنینی در جنبش کارگری جهانی بوجود آمد. در سراسر جهان احزاب کمونیستی پدید آمدند و آنها با پیدایش انترناسیونال کمونیستی به بزرگترین وزنه به خاطر تحت تأثیر قرار دادن و تغییرات، تقریباً در کلیه عرصه‌های اجتماعی، بدل شدند. مارکسیسم لنینیسم در سراسر جهان گسترش یافت.

مائو تسه دون در کتابش درباره دیکتاتوری دموکراتیک خلق نوشت: "شلیک توپ‌های انقلاب اکتبر مارکسیسم لنینیسم را برای ما به ارمغان آورد. انقلاب اکتبر به عناصر مترقی جهان و چین با پذیرش جهانبینی پرولتاریائی برای تعیین سرنوشت کشور خویش و برای بررسی مجدد مشکلات مخصوص به خود یاری رساند تا به راه روس‌ها روان شوند- چنین بود نتیجه‌گیری از آن انقلاب". (چاپ فارسی در قیاس با آلمانی صفحات ۶ و ۷)

راه نیل به سوسیالیسم که لنین به ما نشان داد، تنها می‌تواند توسط یک حزب کمونیست متحد و قدرتمند و با استقرار دیکتاتوری پرولتاریا با موفقیت تا پایان اجرا شود.

اقدامات استعماری ...

را برای بهره‌وری بهتر و استثمار شدیدتر زیرپا گذاشت و تا به امروز نیز هر دولتی که بر سر کار می‌آید یک گام بزرگتر از گذشته در نابودی دستاوردهای انقلاب بهمن برمی‌دارد تا از کارگران با الهام صندوق بین‌المللی پول برده‌های مدرن سرمایه‌داری بسازد. در این دوره، رشد اقتصادی ایران و مبادلات اقتصادی با جامعه بین‌المللی

تجاوزگران استعمارگر، باید خاک عراق، افغانستان، لیبی، سوریه و یمن را بی قید و شرط ترک کنند. صهیونیسم دشمن بشریت و قاتل ملت فلسطین است

دستان علی اکبر ...

او می‌نویسد: "آقای علی شوشتری معاون قضایی و جانشین مسئول سازمان زندان‌ها آمد و راجع به زندانی‌ها و مخصوصاً گروهک‌ها و مسائل اخیر آنها در رابطه با شرارت‌های منافقین، اطلاعاتی داد و گفت از حدود پنج هزار زندانی گروهکی، یک سوم بر سر موضع هستند و یک سوم تائب و یک سوم منفصل."

... طی مرداد و شهریور حدود چهار هزار زندانی سیاسی- اکثرأ از مجاهدین- با حکم آیت‌الله خمینی قتل عام شدند. پس از پایان این قتل عام، در روز پنجم مهرماه سال ۱۳۶۷، آیت‌الله خمینی مجازات زندانیان سیاسی زنده مانده را به مجمع تشخیص مصلت نظام واگذار می‌کند.

آقای رفسنجانی می‌نویسد: "به جلسه مجمع تشخیص مصلحت رفتم. در مورد مجازات ضد انقلاب مذاکره شد. امام تصمیم را به مجمع محول کرده‌اند. قرار شد مطابق معمول قبل از حوادث اخیر عمل شود. وزارت اطلاعات چنین نظری داشت و قضات اوین، نظر تندتری داشتند."

تنها اطلاع جدیدی که در کتاب خاطرات اکبر هاشمی رفسنجانی در باره قتل عام سال ۶۷ وجود دارد، موضوع واگذاری تصمیم‌گیری در باره مجازات باقی مانده زندانیان به مجمع است.

در آن زمان اعضای مجمع به قرار زیر بود: علی خامنه‌ای، اکبر هاشمی رفسنجانی، موسوی اردبیلی، توسلی، موسوی خوئینی‌ها، احمد خمینی، میرحسین موسوی و فقهای شورای نگهبان."

به این ترتیب کسی امروز نمی‌تواند از زیر بار سنگین جنایاتی که مرتکب شده است حتی با نقاب "اصلاح‌طلب" فرار کند. روحانیت حاکم تنها برای حفظ قدرت سیاسی و زهرچشم گرفتن از مخالفان که عده‌ای بر آن بودند با پایان جنگ پایان جمهوری اسلامی فرامی‌رسد، به این قتل و کشتار دست زدند و خاطره کشتار گروه جزنی را که پس از محاکمه و صدور حکم دادستان نظامی با صحنه سازی "در حین فرار کشته" شدند زنده کردند. اگر شاه به دنبال یک پوشش "قانونی" برای جنایات غیرقانونی خود می‌گشت، رژیم جمهوری اسلامی حتی این پرده پوشی را لازم ندانست و برعکس می‌خواست نشان دهد که تا به چه حد از نیروی قساوت قلب برخوردار است و برای حفظ قدرت سیاسی از هیچ اقدامی رویگردان

نیست. رفسنجانی دستش تا مرفق به این خون‌بی‌گناهان و اسرای در زندان آغشته است.

قتلهای زنجیره‌ای ۱۳۷۷

علی اکبر هاشمی رفسنجانی همراه با وزیر اطلاعاتش علی فلاحیان که در دو دروه وزیر اطلاعات دولتش بود، برای تحکیم مواضع قدرت سیاسی جمهوری اسلامی به "قتلهای درمانی" دست زدند.

در دوران وی تعداد زیادی از روشنفکران و سیاستمداران را که معروفترینشان، محمد مختاری، محمد جعفر پوینده، داریوش فروهر و پروانه اسکندری بودند در داخل ایران ترور کردند. مطلعان صورت اسامی این قربانیان را به بیش از دویست نفر می‌رسانند. در خارج از کشور گروه ترور رفسنجانی-ولایتی-فلاحیان رفیق ما حمید رضا چیتگر(بهمی) عضو رهبری حزب کار ایران(توفان) را ترور کردند.

آنها در قتل دکتر قاسملو دست داشته و رویداد دسیسه میکونوس و قتل شرفکندی را سازمان دادند. دادگاه میکونوس در آلمان این افراد را قاتل معرفی کرد و حکم جلب آنها را صادر کرد. اکبر گنجی و عمادالدین باقی دو نویسنده و پژوهشگر ایرانی نقش علی اکبر هاشمی رفسنجانی را به عنوان عالیجناب سرخپوش در مطبوعات ایران بر ملا کردند و مورد غضب دارو دسته رفسنجانی قرار گرفتند.

رفسنجانی با همکاری فلاحیان و عامل اجرای قتل‌های زنجیره‌ای آقای سعید امامی که وی را با خوراندن واجبی در زندان کشتند، در قتل احمد خمینی پسر آیت‌الله خمینی دست داشتند. کار افتضاح این قتل‌ها به رهبری رفسنجانی به جایی رسید که حتی مورد اعتراض محمد خاتمی قرار گرفت و سرانجام با توافق بر سر این فرمول که چنین قتل‌هایی کار عناصر خودسر در وزارت اطلاعات بوده است، به بحث خاتمه دادند و بر سرش سرپوش کشیدند و کسانی را که در کشف حقیقت سرسختانه پیگیری می‌نمودند تحت فشار و پیگرد قانونی قرار دادند تا صدایشان در نیاید. در آن زمان فضای ضد قتل‌های زنجیره‌ای گسترده بود، به طوریکه نظراتی مبنی بر این ابراز شد که فلاحیان را به دادگاه بکشند و محاکمه کنند. وی به مشهد نزد روحانی متنفذی به نام طبسی فرار کرد و اعلام نمود که من وزیر آقای رفسنجانی بوده‌ام و همه تصمیمات زیر نظر ایشان بوده است. و وی حرف‌های زیادی دارد که می‌تواند در این زمینه در صورت نیاز بزند. این تهدید فلاحیان کارگر افتاد و به تدریج

وی را از آماج حمله کنار گذاشتند. در اسناد بازجویی سعید امامی آمده است: «من از آغاز انقلاب تا به امروز سرباز گوش به فرمان نظام مقدس اسلامی و مقام ولایت بوده و هستم، هیچگاه بدون کسب اجازه و یا بدون دستورات مقامات عالی نظام کاری انجام نداده‌ام. حکم اعدام داریوش فروهر و پروانه اسکندری را به روال معمول همیشگی علی فلاحیان به من داد.»

در همان دوران نام بسیاری آیت‌الله‌ها که فتوی قتل این افراد را داده بودند طرح شد. آیت‌الله مصباح یزدی مشهور به تمساح یکی از آنها بود. آیت‌الله بهجت، آموزگار مصباح یزدی نیز از مروجان خشونت و از کسانی بود که در این فتواهی شرکت داشت.

در ماه آذر سال ۱۳۷۹ میلادی، اکبر گنجی روزنامه‌نگار طرفدار اصلاحات، که در کتاب خود به نام "عالی‌جناب سرخ‌پوش و عالی‌جنابان خاکستری"، به افشاگری درباره عوامل پشت پرده قتل‌های زنجیره‌ای پرداخت، وی در دادگاهی که برای محاکمه او تشکیل شد علناً علی فلاحیان، وزیر اطلاعات سابق ایران را شاه‌کلید قتل‌های زنجیره‌ای و مصباح یزدی را محرک و صادرکننده فتوای قتل‌ها یا به اصطلاح، "مراد عالی‌جنابان خاکستری" خواند. علی اکبر هاشمی رفسنجانی "اصلاح‌طلب" مهره مهمی در این گروه غیبی مروجان خشونت و ترور بود. مرگ وی پایان ترور نیست ولی ضربه‌ای به اندیشه-پروران تروریسم دینی است.

صیهونیسم یعنی تروریسم ...

نگهداشته و به قتل و غارت این مردم مشغول است و نه تنها با ایجاد چند جنگ در منطقه به توسعه ارضی خویش پرداخته، بلکه مردم فلسطین را به تدریج به مرگ محکوم کرده و روزانه آنها را به قتل می‌رساند. فقط احکام نژادپرستانه و ضد بشری در مورد مردم فلسطین اجراء می‌شود.

اسرائیل به عنوان یک نیروی نژادپرست و اشغالگر هر روز به توسعه مناطق اشغالی می‌افزاید و دنیا را در مقابل اعمال انجام شده قرار می‌دهد. اسرائیل که یک دولت صیهونیستی بر راس امورش قرار دارد، برای توسعه و حفظ مناطق اشغالی و پاک کردن آنها از وجود مردم فلسطین از هیچ جنایتی رویگردان نیست. آنها از بمب خوشه‌ای و بمب فسفری ... ادامه در صفحه ۶

امپریالیسم آمریکا تروریست، جاسوس، ناقض حقوق اساسی انسانها و دشمن شماره یک بشریت است

صهیونیسم یعنی تروریسم ...

برای اهداف ضد بشری خویش استفاده می کنند و هم اکنون سیاست اشغالگری خویش را با محاصره نوار غزه و ساختن آبادی نشینهای یهودی در ساحل غربی ادامه می دهند. اقدامات تجاوزکارانه آنها بر ضد مناطق اشغالی و قتل عام مردم غزه و محاصره این سرزمین یک جنایت جنگی است، ولی امپریالیسم آمریکا مانع می شود که جامعه ملل و اعضای مترقی آن تبهکاری های صهیونیسم و امپریالیسم را محکوم کند.

رسانه های جهانی انحصاری و پرتیراژ صهیونیستی به شستشوی مغزی مردم جهان مشغولند و با ایجاد رعب، تهدید، ترور و تطمیع و تبلیغات سرسام آور به خاطر این موقعیت خاصی که در شستشوی مغزی و ایجاد افکار عمومی با یاری حکومت های ممالک امپریالیستی ایجاد کرده اند نقش مهمی در سیاست جهانی بازی می کنند. این رژیم یک رژیم اشغالگر و تبهکار است و نه تنها غاصب و مهاجم است، بلکه عامل جنگ و خطر مهمی برای صلح جهانی است. این رژیم سرپل امپریالیسم آمریکا در منطقه و دشمن خلفای منطقه است. این رژیم در منطقه به تفرقه و خرابکاری مشغول است و ملت های منطقه را به جان هم می اندازد. حزب ما از مبارزات آزادیبخش مردم فلسطین برای پایان دادن به تبهکاری های صهیونیسم، نابودی صهیونیسم و آزادی سرزمین های اشغال شده فلسطین حمایت می کند. این مردم فلسطین هستند که باید در مورد سرنوشت خویش آزادانه تصمیم بگیرند. اسرائیل اتمی صهیونیستی ثابت کرده است که خواهان صلح نیست، بلکه خواهان نسل کشی فلسطینی هاست. ادعاهای صلح خواهی صهیونیستها، پیشنهاد پذیرش اشغال و نابودی مردم فلسطین است. با اشغالگر هرگز نمی توان صلح کرد. نخست باید اشغالگر را از خاک کشور خود بیرون راند. پیشنهاد صلح صهیونیسم پیشنهاد تسلیم و پذیرش حفظ وضع موجود بوده و هرگز نباید فریب آن را خورد. توافق صلح واقعی در قاموس جنبش رهائی بخش فلسطین توافقی بر شالوده فلسطینی آزاد و مستقل و کشوری قابل بقاء در تمام زمینه هاست. مردم تاراندۀ شده فلسطینی باید بتوانند به سرزمین مادری خویش باز گردند.

اسرائیل صهیونیستی یک غده سرطانی، اتمی، نژادپرست و خطرناک برای همه منطقه است. آزادی منطقه با وجود صهیونیسم اسرائیل ممکن نیست. فراموش نکنیم که ملت فلسطین برخلاف

تبلیغات صهیونیستها فقط مسلمانان



نیستند، یهودیان فلسطینی و مسیحیان فلسطینی نیز اجزاء ملت فلسطین را تشکیل می دهند.

صهیونیسم در منطقه با نفوذ در میان اکراد عراقی و ایرانی در پی ایجاد کردستان بزرگ ارتجاعی و متحد صهیونیسم در منطقه است. حرکت تجزیه طلبانه اکراد ناسیونال شونیسم در منطقه در خدمت منافع امپریالیسم جهانی است و ربطی به حق تعیین سرنوشت خلفا به دست خویش ندارد. حزب ما بارها این همکاری ها را افشاء کرده و حاضر نیست با سیاست اپورتونیستی به ناسیونال شونیستها گردد که دست دراز شده صهیونیسم در منطقه هستند باج دهد. مبارزه با صهیونیسم باید با مبارزه علیه تجزیه طلبان ناسیونال شونیسم که پایگاه امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه هستند پیوند بخورد.

صهیونیست های اسرائیلی می خواهند مبارزه با صهیونیسم جنایتکار و نژاد پرست را "یهودی ستیزی" جلوه دهند و به این ترتیب جلوی دهان منتقدان را ببندند. حزب ما باید این ریاکاری صهیونیسم بین الملل را برملا کند و خط تمایز روشنی میان صهیونیسم، و اعتقادات دینی یهودی بکشد. مسلماً یهودیانی که از موجودیت اسرائیل صهیونیستی دفاع می کنند، صهیونیسم و نژادپرست هستند. حمایت از صهیونیسم اسرائیل در میان پاره ای از ایرانیان نیز موجود است که در واقع همدستان اسرائیل در منطقه محسوب می شوند و دشمنان مردم ایران و منطقه به حساب می آیند.

اسرائیل دشمن استقلال و تمامیت ارضی ایران است و به جنبش های تجزیه طلبانه، سلطنت طلبانه و بخشی از "اپوزیسیون چپ ایران" که اسرائیل را کشور "دموکراتیک" می خواند و می خواهد در ایران "سوسیالیسم کیبوتسی" مستقر

کند (حزب کمونیست کارگری ایران) از هر نظر یاری می رساند تا بخش هایی از ایران جدا شوند. اسرائیل سگ پاسبان امپریالیسم آمریکا در منطقه است. امپریالیستها به تمام جنایات صهیونیستها صحنه می گذارند و بر روی اعمال ننگینش ماله می کشند و در مراجع جهانی علیرغم ادعاهای کاذب حمایت از حقوق بشر مانع از آن هستند که اسرائیل به عنوان ناقض حقوق بشر و جنایتکار جنگی محکوم شود. منافع ملی ایران در شکست این منبع تشنج و دسیسه در منطقه و تحقق آمال مردم فلسطین است.

اسرائیل دست دراز شده بانک های بزرگ آمریکائی و کنسرن های نفتی-تسلحاتی است که در منطقه با دست قوای نظامی امپریالیستی تعبیه شده است. این غده سرطانی به توسعه مناطق نفوذ سیاسی و اقتصادی خویش در آفریقای سیاه و آسیا پرداخته و حتی بخشی از ممالک آفریقای را عملاً اشغال کرده است. این کشور با غارت سرزمین ها و منابع آب فلسطینی ها، به یک کشور صادر کننده مواد غذایی به اروپا بدل شده است. اسرائیل در پی نسل کشی فلسطینی ها و توسعه نفوذ خود در میان اکراد تجزیه طلب و دست اندازی به خاورمیانه است. همدستی صهیونیسم و عربستان سعودی و امارات متحده عربی در شرایط کنونی منطقه در نتیجه دخالت های بی شرمانه در سرنوشت مردم سوریه، به بهترین وجه نشان می دهد که نزاع بین این دو دسته-ی ارتجاع منطقه، مبارزه دینی میان اسلام و یهودیت نیست، مبارزه ارتجاع منطقه است که با احساس خطر برای خود، همه نقاب های خویش را بدور افکنده است. عربستان سعودی رهبر ممالک اسلامی در کنار صهیونیسم برای مبارزه با سوریه، عراق، لبنان، افغانستان و ایران قرار گرفته است.

حزب کار ایران (توفان) از مبارزه سیاسی ملت فلسطین برای رهائی ملی صرف نظر از ایدئولوژی آنها حمایت می کند و این مبارزه رهائی بخش را حق مشروع آنها می داند. حزب کار ایران (توفان) قرارداد اسارت آور اسلو را همیشه ارتجاعی دانسته و الغاء آن را کرده است.

سانسور و اختناق ...

نخست با اخبار واقعی و افشاء دروغ های امپریالیسم غرب با دامنه اطلاعاتی که داشت جای پای خویش را باز کرد به طوریکه برنامه های "روسیه امروز" یکی از پربیننده ترین، پرشنونده ترین و پرخواننده ترین ... ادامه در صفحه ۷

از میراث انقلابی ۵۰ سال مبارزه ضد رویونیستی در ایران تجلیل کنیم

سانسور و اختناق ...

برنامه‌های جهان شد و این هراس رسانه‌های امپریالیستی و انحصاری غربی را که با انحصار پخش دروغ جولان می‌دادند، برانگیخت. حال باید گام سوم در این عرصه برداشته می‌شد و نقابها به دور انداخته می‌گردید. دیگر راهی نبود جز اینکه در کنار جعل اخبار و توزیع وسیع اکاذیب به سانسور نیز دست بزنند و آنرا سازماندهی کنند. در آمریکا حتی شرکت‌های خصوصی برای انجام این خدمات ایجاد شده و با پول گرفتن از دولتها و شرکت‌های بزرگ خصوصی سرمایه‌داری سفارشات معینی را بر اساس پیمانهای سری به انجام می‌رساند. برای ممالک امپریالیستی تنها این مطرح نیست که نیروهای انقلابی را سرکوب کرده و افکار آنها را مشوب نمایند، بلکه این امر نیز در دستور کارشان قرار دارد که در میان خودشان نیز بر اساس تضاد منافع حداکثر امکان سود تبلیغاتی را به دست آورند. برای امپریالیستها دروغ‌گویی و جعل سند در مورد یکدیگر نیز رایج شده است این است که همه این ممالک ناچارا و ریاکارانه پرچم مبارزه علیه "دروغ و جعلیات" را که خودشان بانی و مسبب آن بوده‌اند برافراشته و در تبلیغات خود مدعی‌اند که می‌خواهند با وضع قوانین و سازمانهای معین کارشناسی و استفاده از قوه قضائیه و مجریه محیط شبکه

مجازی را "سالم" کنند. آنها در این بوق تبلیغاتی می‌دمند که باید جلوی "تروریسم"، "پورنوگرافی"، "تصاویر مشمنزکننده"، "تبلیغات خشونت و نفرت" و... را گرفت. این جلادان مست سانسور با این تیغ بی قانونی به جان افکار آزاد مردم افتاده و هر مخالفی را به عنوان "تروریست" و "خشونت طلب" و... از شبکه مجازی با امکانات وسیع فنی که دارند اخراج می‌کنند. حتی فیس بوک از نصب صفحه "روسیه امروز" خوداری می‌کند. تمام این جنجالی که بر سر فیس بوک ایجاد کرده‌اند برای آن است که مخالفان خویش را حذف کنند و این حذف بر اساس ضوابطی صورت بگیرد که حداقل مهمترین امپریالیستها با آن موافق باشند. امپریالیسم آلمان و اروپا از اینکه آمریکائی‌ها با معیارهای خود دست به سانسور زده‌اند مخالفند، زیرا این شتری است که در خانه آنها نیز خوابیده و در آینده نیز بیشتر خواهد خوابید. آنها نه یک شتر بلکه صد شتر. امپریالیستهای اروپائی با سانسوری موافقت که امکان رقابت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی آنها را محدود نکند. آنها در پی آن هستند که در ممالک خویش شبکه‌هایی نظیر فیس-بوک را محدود کرده و به زیر نظارت خود در آورند. این است که اخیرا با حذف صفحاتی که به صورت خودسرانه در فیس بوک صورت می‌گیرد و دامن

آنها را نیز خواهد گرفت مخالفند. تا کنون حداقل ۱۰۹۳ تفسیر پاک شده است و این بجز آن صفحاتی هستند که فیس-بوک آنها را پاک کرده و دست کاربرانشان به جانی برای دادخواهی نمی‌رسد. امپریالیستهای اروپائی از اینکه آمریکائی‌ها دستگاهی به نام فیس-بوک را در دست دارند تا همه اطلاعات و نوع شستشوی مغزی از مجرای آنها بگذرد سخت خشمگینند و راه چاره‌ای هم ندارند جز اینکه برای این موسسه تنها موانع ایجاد کنند و سعی نمایند وی را رام سازند. فیس-بوک به سکونی برای فریب و جیرمبندی اخبار و توزیع اخبار مجاز تبدیل می‌شود. تنها اخباری از نظر امپریالیسم حقیقت است که منافع آنها را تأیید کند.

به توفان در تلگرام خوش آمدید

(مقالات توفان الکترونیکی شماره ۱۲۸ اسفند ماه ۱۳۹۵ منتشر شد)
آنرا در تارنمای توفان مطالعه نمایند)

گل بود به سبزه نیز آراسته شد!!!! (ریزگردها و زحمتکشان خوزستانی) - قهر از «قهر» - نقدی بر شیفتگان «گفتمان سیاسی» و طرح "آشتی ملی" - مبارزات طبقه کارگر علیه سیاستهای نئولیبرالیستی و تغییرات ارتجاعی قانون کار -

اعتراض و اعتصاب کارگران برای حقوق معوقه و علیه دستمزد ناعادلانه خاموش شدنی نیست

نامه به احزاب برادر و سازمانهای انقلابی و ترقیخواه! - رژیم جمهوری اسلامی ایران را برای تلاش به بازگرداندن رضا شهابی به زندان محکوم کنید! - روسیه سرمایه داری است یا امپریالیستی؟ (۲) - به استقبال جشن ۱۰۰ سالگی انقلاب اکتبر برویم- گزارشی از ایران (بخش دوم)- "سرکوب اعتراضات مردم، تجارت و دلالتی، اختلاس و دزدی و گسترش فقر و خرافات"- آسیای وحشی و غرب متمدن بخش سوم- سخنانی از دکتر ناصر زرافشان در مورد اوضاع ایران و منطقه- سخنرانی رفیق فرزاد رادمهر در تلگرام به مناسبت سی و هشتمین سالروز انقلاب بهمن (۱)- گشت و گذاری در فیسبوک و تلگرام، پاسخ به چند پرسش

توفان الکترونیکی شماره ۱۲۸ اسفند ماه ۱۳۹۵ مارس ۲۰۱۷

www.toufan.org

نشریه الکترونیکی حزب کار ایران

toufan@toufan.org

<http://toufan.org/ketabkane.htm>

http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm

<https://twitter.com/toufanhezbkar>

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>

<https://www.facebook.com/pli.toufan?ref=ts>

سایت کتابخانه اینترنتی توفان

سایت آرشیو نشریات توفان

توفان در توئیتر

توفان در فیسبوک

توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

از میراث انقلابی جنبش کمونیستی ایران تجلیل کنیم

سانسور و اختناق "دموکراتیک"

حزب کار ایران (توفان) قبلاً در مورد خدمات موجود در شبکه مجازی از جمله گوگل، یاهو، فیس‌بوک و نظایر آنها اظهار نظر کرده بود. امروز با گذشت زمان پیشگویی‌های حزب ما، صحت خود را به عرصه داوری خوانندگان، پژوهشگران و علاقمندان قرار داده است. در بدو امر تاکتیک این شبکه‌های مجازی ایجاد دنیای پهناور و آزاد، بدون حد و مرز برای بیان آزادانه افکار و اظهار نظر بود. این روش طبیعتاً یک دام ممالک امپریالیستی و به ویژه امپریالیسم آمریکاست تا سیاست معینی را که در نظر دارد با کسب اعتماد عمومی و تبلیغاتی، جا بیاندازد. امپریالیسم آمریکا و اطاقهای فکری آنها از طریق این شبکه‌ها نظریات معینی را که اکثراً گزینشی و با نیت معینی تبلیغ می‌شوند در پلتفرمهای این شبکه‌های مجازی قرار می‌دهند. گام نخست، اتخاذ سیاست "بی-طرفی" بود، تا آنها بتواند تورهای خویش را در سراسر جهان بگسترانند و مردم را اسیر و وابسته به این وضعیت غیرقابل بازگشت نمایند. آمار نشان می‌دهند که ۱/۸ میلیارد نفر در جهان عضو فیس‌بوک هستند. این تعداد در آلمان ۲۸ میلیون نفر یعنی یک سوم جمعیت آلمان می‌باشند. امروز وضعی پیش آمده است که بدون دسترسی به شبکه مجازی امکان زندگی عادی و تلاش برای معاش، اگر وجود نداشته باشد، بسیار سخت گردیده است و روز به روز هم مشکلتر می‌شود. اطاقهای فکری امپریالیستی این گام نخست کسب اعتماد را با گام بعدی کامل کردند و آن به این ترتیب بود که کارمندان حقوق بگیر خویش را مامور می‌کردند به صورت مستمر و شبانه روزی در این شبکه‌ها فعال بوده، نظریات کاربران را بررسی کرده و "پادزهرهای" ضروری را در مقابل آنها در شبکه مجازی قرار دهند. از منظر آنها باید شبکه‌های مجازی و به ویژه فیس‌بوک به یک بلندگو و منبع الهام و افکار عمومی سازی در جهان بدل می‌شد. این نزاع افکار که کاملاً جنبه طبقاتی دارد، علیرغم سازماندهی مدرن، مخارج گزافی که امپریالیستها و انحصارات و سازمانهای جاسوسی و امنیتی و... متقبل می‌شدند به نفع آنها تمام نشد، زیرا میلیونها انسان آزاده در این شبکه‌ها فعال شده و نقش خرابکارانه این شبکه‌های مشکوک و مزدور را خنثی می‌کردند. نمونه دروغهایی که آنها در مورد سوریه و اوکراین می‌گفتند و با مبارزه مردم عادی این دسیسه‌ها در فیس‌بوک خنثی شدند برای خود امپریالیستها آموزنده بود. گرچه ممالک امپریالیستی بیشتر به دروغ متوسل شدند و به پخش اطلاعات جعلی دست زدند ولی به همان نسبت بی‌اعتمادی مردم نسبت به مطبوعات و اخبار دروغ ممالک "دنیای آزاد" بیشتر شد و مالا بیشتر به شبکه‌های مجازی و از جمله فیس‌بوک برای بیان نظریات و خنثی کردن دروغهای امپریالیسم و صهیونیسم روی آوردند. با برملا شدن نقش سازمانهای امنیتی و جاسوسی آمریکا NSA در درجه اول و سپس اروپایی‌ها در استراق سمع، نقض همه قوانین به رسمیت شناخته جهانی در مورد حریم خصوصی افراد، استفاده از این اطلاعات برای تحت فشار گذاردن، سرکوب و تخریب افراد و سازمانها و... بی‌اعتمادی مردم نسبت به انحصارات رسانه‌ای که مراکز شستشوی مغزی در ممالک "دموکرات" هستند، بیشتر شد و مردم باز هم بیشتر از گذشته برای کسب اخبار و اطلاعات همه جانبه به شبکه‌های مجازی روی آوردند. در جنگی که در این شبکه‌ها در گرفته بود ارتجاع امپریالیستی و صهیونیستی با شکست روبرو گشت. این وضعیت از زمانی تشدید شد که سایر ممالک امپریالیستی نیز تلاش کردند از این سکوها تبلیغاتی به یاری دولتهای قدرتمندی نظیر روسیه برای منافع خویش استفاده کنند. روسیه نیز با تهاجم مهمی در کنار ممالک امپریالیستی و صهیونیستی در شبکه مجازی فعال شد و در درجه... ادامه در صفحه ۶



مستخرجی از گزارش سیاسی حزب کار ایران (توفان) به کنگره پنجم حزب کار ایران. اوضاع جهان-بخش نخست

صهیونیسم یعنی تروریسم و نژادپرستی

وقتی ما از اردوگاه امپریالیسم غرب صحبت می‌کنیم باید جای خاصی برای صهیونیسم اسرائیل در نظر بگیریم. این دستگاه جهانی صهیونیسم توسط موسسه مشهور لابی یهودیان در آمریکا بنام "آی‌پاک" (AIPAC) کمیته روابط عمومی آمریکا-اسرائیل American Israel Public Affairs Committee که از سرمایه داران یهودی تشکیل شده است، با کمکهای مالی خویش به یک عامل مهم دخالت در نتایج انتخابات آمریکا بدل شده است. آنها با خریدن نمایندگان کنگره آمریکا و یا اعزام نمایندگان مستقیم خود به کنگره آمریکا نقش بسیار مهمی در انتخاب رئیس جمهور و تدوین سیاستهای خارجی آمریکا بازی می‌کنند. این نهاد صهیونیستی آمریکائی، متحد اسرائیل است، کشوری که سرزمین مردم فلسطین را بیش از ۶۰ سال در اشغال خود... ادامه در صفحه ۵

www.toufan.org

صفحه توفان در شبکه جهانی اینترنت.

toufan@toufan.org

نشانی پست الکترونیکی

سخنی با خوانندگان: نشریه ای که در دست دارید زبان مارکسیست لنینیستهای ایران است. "توفان" نشریه "حزب کار ایران" حزب واحد طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیستهای صديق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکیل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی برسانید، زیرا ما تنها با اتکاء بر نیروی خود پابرجاییم و به این مساعدت ها، هر چند هم که جزیی باشند نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید، هزینه گزاف پستی مانع از آن است که بتوانیم آن را بدست همگان برسانیم.

Toufan حساب بانکی
Postbank Hamburg
BLZ: 20110022
KontoNr.: 2573372600
Germany
IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00

آدرس Toufan
Postfach 103825
60108 Frankfurt
Germany